

(فصل سی و چهارم)

فکر کردن مانند یک غلام

"ولی خدمت گزار من کالیب شخصیت دیگری دارد و پیوسته از صمیم قلب مرا اطاعت کرده است." (اعداد ۱۴: ۲۴)
"شما باید همان طرز فکری را در پیش گیرید که مسیح داشت." (فیلیپیان ۲: ۵)

خدمت، در فکر شما شروع می شود.

خادم یا غلام شدن تغییر جهت فکر می خواهد یعنی تغییری در روش و رفتار. برای خدا همیشه اینکه چرا کاری را انجام می دهیم بیشتر از اینکه چه کاری را انجام می دهیم اهمیت دارد. رفتار و حالتی که ما بیشتر از موفقیت‌های ما اهمیت دارند. خدا از امصیای پادشاه خشنود نبود چون: "او هر چه در نظر خداوند پسندیده بود انجام می داد، اما نه با تمام دل و جان." (دوم تواریخ ۲۵)

خادمین واقعی خدا را با داشتن پنج حالت در ذهنیت خدمت می کنند:

۱- **خادمین یا غلامان بیشتر در مورد دیگران فکر می کنند تا در مورد خودشان.** خادمین به دیگران متمرکزند و نه بر خود. این فروتنی حقیقی است: نه اینکه خود را کم بشماریم بلکه کمتر در مورد خود فکر کنیم. آنها خود را فراموش می کنند. پولس گفت: "فقط به فکر خودتان نباشید، بلکه به کار و مسایل دیگران هم توجه نمایید." (فیلیپیان ۲: ۴) اینجاست که این اصطلاح "زندگی خود را از دست دادن" معنا پیدا می کند. فراموش کردن خود در خدمت به دیگران. وقتی از تمرکز بر نیازهای خودمان باز می ایستیم، آنگاه به احتیاجات اطرافیانمان واقف می شویم. عیسی مسیح "خود را خالی کرد و ذات غلام پذیرفت." (فیلیپیان ۲: ۷) آخرین دفعه ای که خود را برای نفع شخص دیگری خالی کردید کی بود؟ اگر از خود پر هستید نمی توانید خادم باشید. فقط زمانی که خود را فراموش می کنیم می توانیم کارهایی را بکنیم که شایسته یادآوری است.

متأسفانه، قسمت اعظم خدمت ما، اغلب خدمت به خود است. ما خدمت می کنیم تا دیگران از ما خوششان بیاید، ما را تحسین کنند و یا به هدفهای خود برسیم. این آلت دست قرار دادن دیگران است و نه خدمت. در حقیقت، تمام مدت ما بفکر خود هستیم و اینکه چقدر نابغه و عالی هستیم. بعضیها سعی می کنند از خدمت به عنوان وسیله داد و ستد با خدا استفاده کنند: "خدا یا من این کار را برای تو خواهم کرد، اگر تو نیز کاری برای من بکنی." خادمین واقعی از خدا برای رسیدن به هدفهای خود بهره نمی جویند بلکه آنها به خدا اجازه می دهند تا از آنها برای رسیدن به هدفهایش استفاده کند. کیفیت خود فراموش کردن، مانند وفاداری و امانت شدیدا کمیاب و نادر است. از میان همه افرادی که پولس می شناخت، تیموتاؤس تنها شخصی بود که پولس می توانست به او اشاره کند (فیلیپیان ۲: ۲۰-۲۱). خیلی سخت است که مانند یک غلام فکر کنم چون مشکل اساسی زندگی مرا به چالش می طلبد: من طبیعتاً خودخواه هستم. اکثراً در مورد خود فکر می کنم و به این علت فروتنی یک مبارزه روزانه است، درسی که مرتباً باید آن را یاد بگیرم. من دهها بار در روز با موقعیتهایی برای خادم بودن برخورد می کنم که در این موقعیتهای من این حق انتخاب داده می شود که بین رفع نیاز خود و دیگران تصمیم بگیرم. انکار نفس هسته غلامی و خادم بودن است.

وقتی دیگران با ما مثل غلام رفتار می کنند، آنگاه می توانیم در عکس العملیایمان قلب غلامی خود را بسنجیم و مورد آزمایش قرار دهیم. وقتی کسی قدر شما را نمی داند یا نقش رئیس برای شما بازی می کند و یا با شما بعنوان شخص کم اهمیت رفتار می کند، عکس العمل شما چیست؟ کتاب مقدس می فرماید: "اگر کسی مجبورت کند یک میل با او بروی، دو میل همراهش برو." (متی ۵: ۴۱)

۲- **خادمین مانند ناظران فکر می کنند و نه مالکان.** غلامان به یاد دارند که خدا مالک همه چیز است. در کتاب مقدس ناظر یا مباشر غلامی بود که به او ملکی سپرده شده بود تا اداره کند. یوسف بعنوان زندانی در مصر، چنین غلامی بود. فوطیفار خانه خود را به یوسف سپرد. و بعد از آن زندانبان، زندان را به یوسف سپرد. و بالاخره فرعون تمام ملتش را به او تسلیم کرد. غلامی و نظارت دست در دست یکدیگر به پیش می روند (اول قرنطیان ۴: ۱)، در ضمن اینکه، خدا انتظار دارد در هر دوی آنها وفادار باشیم. کتاب مقدس می فرماید: "انتظاری که از کارگزار می رود این است که امین باشد." (اول قرنطیان ۴: ۲). با منابعی که خدا در اختیار شما گذاشته چگونه رفتار می کنید؟

برای اینکه غلام واقعی باشید می باید مسئله پول را در زندگیتان مشخص کنید. عیسی مسیح فرمود: "هیچ غلامی دو ارباب را خدمت نتواند کرد... نمی توانید هم بنده خدا باشید، هم بنده پول." (لوقا ۱۶: ۱۳) او نگفت: "نباید باشید." بلکه "نمی توانید باشید." این غیر ممکن است. زندگی برای خدمت و زندگی برای پول هدفهای انحصاری دوجانبه می باشند. کدام را انتخاب خواهید کرد؟ اگر خادم خدا هستید نمی توانید بصورت قاچاقی برای خود کار کنید. تمام وقت شما به خدا تعلق دارد. او بر وفاداری انحصاری اصرار می ورزد و نه بر امانت نیمه وقت.

پول بزرگترین پتانسیل را برای جایگزین خدا شدن، در زندگی شما دارد. مردم بیشتری بخاطر خدمت توسط ماده گرایی از راه منحرف شده اند تا با هر چیز دیگری. آنها می گویند: "وقتی به هدفهای مالی خود رسیدم، خدا را خدمت خواهم کرد." این تصمیم احمقانه ای است که بخاطر آن تا ابد پشیمان خواهند بود. وقتی مسیح ارباب شما است، پول شما را خدمت می کند. ولی اگر پول ارباب شما است، شما غلام آن می شوید. مطمئناً ثروت گناه نیست، اما قصور در استفاده از آن برای جلال خدا مسلماً گناه است. خادمین خدا همیشه توجه بیشتری به خدمت دارند تا به پول.

کتاب مقدس صریحاً می گوید: خدا از پول استفاده می کند تا وفاداری تو را بعنوان یک خادم آزمایش کند. به این خاطر عیسی مسیح بیشتر از بهشت و جهنم در مورد پول صحبت کرد. او فرمود: "پس اگر در به کار بردن مال این دنیای فاسد امین نباشید، کیست که مال حقیقی را به شما بسیار؟" (لوقا ۱۶: ۱۱) اینکه با پولتان چطور برخورد می کنید بر اینکه چقدر خدا می تواند زندگی شما را برکت دهد، مؤثر است.

در فصل ۳۱، به دو نوع مردم اشاره کردم: بنا کنندگان ملکوت و بنا کنندگان ثروت. هر دوی آنها استعداد توسعه دادن کاری، معامله و فروش و سود کردن را دارند. بنا کنندگان ثروت به گردآوری ثروت برای خود بدون در نظر گرفتن مقداری که جمع می کنند، ادامه می دهند. اما بنا کنندگان ملکوت قاعده بازی را عوض می کنند. آنها نیز هنوز سعی می کنند که هر قدر که بتوانند پول بدست آورند، اما این کار را برای خرج کردن می کنند. آنها از ثرویشان برای حمایت مالی کردن از کلیسای خدا و مأموریت آن در دنیا استفاده می کنند.

در کلیسای سدلَبک Saddleback ما گروه CEO و صاحبان تجارتها را داریم که سعی می کنند هر قدر بیشتر که بتوانند کسب کنند، تا بتوانند برای پیشبرد ملکوت خدا بدهند. من شما را تشویق می کنم که با شایستگی صحبت کنید و یک گروه بنا کنندگان ملکوت در کلیسای شما شروع کنید. برای کمک به ضمیمه ۲ مراجعه کنید.

۳- خادمین در مورد کار خود فکر می کنند و نه در مورد اینکه دیگران چه می کنند. آنها خود را با دیگر خادمین مقایسه نمی کنند، از آنها انتقاد نمی کنند و نیز با آنها رقابت نمی کنند. آنها به اندازه کافی مشغول کاری هستند که خدا به آنها سپرده است.

رقابت در میان خادمین خدا به چند علت غیرمنطقی است: همه ما در یک تیم هستیم؛ هدف ما این است که خدا را جلال دهیم و نه خود را؛ به ما تکلیفهای متفاوت داده شده؛ و هر کدام از ما بصورت بی نظیری ساخته شده ایم. پولس گفت: "دیگر جاه طلب و شهرت طلب نخواهیم بود و در نتیجه، یکدیگر را نخواهیم رنجاند و به یکدیگر حسادت نخواهیم ورزید." (غلاطیان ۵: ۲۶)

جایی برای حسادت جزئی هم بین خادمین وجود ندارد. وقتی آنقدر مشغول هستید که خدمت کنید، دیگر وقتی برای انتقاد کردن ندارید. هر وقتی که برای انتقاد از دیگران صرف می شود می توانست برای خدمت به دیگران صرف شود. وقتی مرتاً از مریم نزد مسیح شکایت برد که او را در کار کمک نمی کند، او قلب غلامی خود را از دست داد. خادمین واقعی از بی انصافی شکایت نمی کنند، گروههای دلسوز ندارند و از آنانی که خدمت نمی کنند نمی رنجند. آنها به سادگی به خدا اعتماد می کنند و به خدمت ادامه می دهند.

کار ما این نیست که دیگر غلامان ارباب را ارزیابی کنیم و بسنجیم. کتاب مقدس می فرماید: "تو کیستی که بر خدمتکار شخصی دیگر حکم می کنی؟ استوار مانندن یا فرو افتادن او به آفایش مربوط است." (رومان ۱۴: ۴) در ضمن، این نیز کار ما نیست که از خود در برابر انتقادها دفاع کنیم. این کار ارباب شما است. از موسی یاد بگیرید و نمونه او را دنبال کنید که در برابر مخالفان مانند نحمیا فروتنی حقیقی را نشان داد، که پاسخ آنها به انتقادها بسادگی عبارت بود از: "من مشغول کار مهمی هستم و نمی توانم دست از کارم بکشم و بدین شما بیایم." (نحمیا ۶: ۳)

اگر مانند مسیح خدمت می کنید، باید انتظار انتقاد نیز داشته باشید. دنیا و حتی قسمت اعظم کلیسا، آنچه را خدا ارزش قائل است، درک نمی کنند. از یکی از زیباترین اظهار محبتها که نسبت به مسیح بود، توسط شاگردان انتقاد شد. مریم بالارزترین چیزی را که داشت، یعنی عطر گرانبها را، برداشت و بر سر عیسی مسیح ریخت. آنچه شاگردان خدمت افراطی او را "یک اتلاف" نامیدند، مسیح آن را "با اهمیت" نامید، و آنچه مهم بود این بود که نظر مسیح چه بود. خدمت شما برای مسیح صرف نظر از آنچه دیگران می گویند، هرگز تلف شده نیست.

۴- خادمین اساس هویت خود را در مسیح می دانند. خادمین احتیاجی ندارند که ارزش خود را ثابت کنند، چون آنها پیوسته به یاد می آورند که توسط فیض خدا محبت و پذیرفته شده اند. آنها داوطلبانه کارهایی را قبول می کنند که افراد سست و متزلزل آن کارها را برای خود "پست" می شمارند. یکی از نمونه های عمیق خدمت از یک تصور امن از خود، زمانی است که مسیح پاهای شاگردانش را می شوید. شستن پاها معادل پسری که کفشها را واکس می زند و دوره گرد است می باشد. کاری تهی از هرگونه مقام و شأن. ولی مسیح می دانست که کیست و این کار تصویری که او از خود داشت را تهدید نمی کرد. کتاب مقدس می فرماید: "عیسی که می دانست پدر همه چیز را به دست او سپرده است و از نزد خدا آمده و به نزد او می رود، از شام برخاست و خرقه از تن به در آورد و حوله ای برگرفته، به کمر بست." (یوحنا ۱۳: ۴-۳)

اگر می خواهید خادم باشید، باید هویت خود را در مسیح معین کنید. فقط افراد مطمئن و استوار می توانند خدمت کنند. افراد سست و متزلزل همیشه نگران هستند که دیگران آنها را چگونه می بینند. آنها از افشاء ضعفهایشان می ترسند و

خود را زیر لایه های محافظ غرور و تظاهر مخفی می کنند. هر قدر سست که باشید همانقدر نیز خدمت و تأیید و تصدیق دیگران را طالب خواهید بود.

هنری ناون Henri Nouwen گفت: " ما باید نسبت به کسانی که خدمتشان می کنیم مرده باشیم، یعنی نخواهیم دیگران معنا و مفهوم و ارزش ما را با پیمانه خود اندازه بگیرند و ارزیابی کنند... به این ترتیب از این که مورد دلسوزی و ترحم قرار بگیریم آزاد خواهیم شد." وقتی ارزش و هویت خود را بر اساس رابطه تان با مسیح قرار می دهید، از توقعات دیگران آزاد هستید، و همین به شما اجازه می دهد تا به بهترین نحوی آنها را خدمت کنید. خادمین و غلامان نیازی به نشان ها و جایزه ها برای قدردانی از خدمتشان ندارند. آنها هیچ اصراری ندارند که با تیترو مقامی خطاب شوند و خود را با ردهای برتری نمی پوشانند. خادمین سمبلهای مقام و منزلت را لازم نمی دانند، و ارزش خود را با موفقیتهایشان نمی سنجند. پولس گفت: "زیرا نه آن که خودستایی کند، بلکه آن که خدا او را بستاید، بنییرفته می شود." (دوم قرنتیان ۱۰:۱)

اگر کسی بود که در تمام زندگیش فرصت به خود بالیدن داشت و می توانست خود را به آدم های گنده بچسباند، مسلماً این شخص کسی نبود جز یعقوب، برادر تنی مسیح. او بخاطر زندگی با عیسی مسیح بعنوان برادرش می بایست استوار نامه داشته باشد. با این همه، در ابتدای رساله اش خود را اینچنین معرفی می کند: "از یعقوب، غلام خدا و عیسی مسیح خداوند" (یعقوب ۱:۱) هر چه به مسیح نزدیکتر می شوید، کمتر نیاز این را می بینید که خود را بزرگ ببینید.

۵- خادمین خدمت را بعنوان یک فرصت می بینند و نه بعنوان وظیفه. آنها از کمک به مردم، نیازها را برآوردن و انجام خدمت لذت می برند. آنها "خداوند را با شادی عبادت می کنند" (مزمور ۱۰۰:۲) چرا آنها با شادی عبادت و خدمت می کنند؟ چون خداوند را دوست دارند و بخاطر فیضش شکرگزار هستند، آنها می دانند که خدمت بهترین بهره برداری از زندگی است و نیز می دانند که خدا پاداشی را و عده داده است. عیسی مسیح و عده داد: "کسی که مرا خدمت کند، پدرم او را سرافراز خواهد کرد" (یوحنا ۱۲:۲۶) پولس گفت: "زیرا خدا بی انصاف نیست. چگونه امکان دارد زحماتی را که در راه او متحمل شده اید فراموش کند، و یا محبتی را که نسبت به او داشته اید از یاد ببرد، محبتی که از طریق کمک به فرزندان خدا نشان داده و می دهید؟" (عبرانیان ۱۰:۶)

تصور کنید چه اتفاقی خواهد افتاد اگر ۱۰ درصد همه مسیحیان در تمام دنیا به نقش خود به عنوان خادمین واقعی با جدیت نگاه کنند. همه کارهای خوبی که می توانست انجام پذیرد را تصور کنید. آیا می خواهید جزو یکی از این افراد باشید؟ اینکه چه سنی دارید مسئله ای نیست، اگر شروع به تفکر و عمل مانند یک غلام و خادم بکنید خدا از شما استفاده خواهد کرد. آلبرت شوایتزر Albert Schweitzer گفت: " تنها مردم واقعا شاد، کسانی هستند که یاد گرفته اند چگونه خدمت کنند."

نکته مورد توجه: برای خادم بودن، می بایست مانند یک خادم نیز فکر کنم.

آیه حفظی: "همان طرز فکر را داشته باشید که مسیح عیسی داشت" (فیلیپیان ۲:۵)

سوالی که باید از خود بکنید: آیا برای من بیشتر مهم است که خدمت شوم یا اینکه راههایی را برای خدمت به دیگران بیابم؟